

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی در شهرستان نور

دکتر عبدالرضا ادهمی^۱

جلیل کاویانپور^۲

چکیده:

در این پژوهش از نظریات صاحب‌نظران اعتماد مانند پارسنز، کلمن، زتومکا، تونیس، گیدنز و بورديو استفاده شده است و در نهایت یک چارچوب نظری برگرفته از تئوری‌های پارسنز و کلمن و زتومکا تشکیل شد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته درباره این موضوع، برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتماد اجتماعی (تعهد درونی ناشی از جامعه‌پذیری، سود حاصل از اعتماد و میزان انتظار از اعتماد شونده و ریسک اعتماد) شناسایی شده‌اند و به وسیله آنها فرضیاتی طرح شده و به آزمون گذاشته شد. در این پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق بوسیله برنامه آماری spss و با تکنیک‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون ساده و رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به داده‌های بدست آمده و مقایسه آن با فرضیات تحقیق، می‌توان گفت: از بین چهار فرضیه موجود در چارچوب نظری تحقیق، سه فرضیه تأیید شد. ۱- بین تعهد درونی و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. ۲- بین سود حاصل از اعتماد و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. ۳- بین ریسک اعتماد و اعتماد اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. ۴- بین میزان انتظار از اعتماد شونده و اعتماد اجتماعی رابطه وجود ندارد. نتیجه‌ای که از این تحقیق گرفته شد اینست که اعتماد اجتماعی در جامعه ما آن طور که پیر بورديو فرض می‌کرد نیست بلکه اعتماد اجتماعی دارای ماهیت و کارکرد اخلاقی است.

مفاهیم کلیدی:

اعتماد اجتماعی، تعهد درونی، سود اعتماد، ریسک اعتماد.

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

E.mail: Adhamiab@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

E.mail: kavayanpoorjalil@yahoo.com

مقدمه:

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که به تازگی وارد حوزه علوم اجتماعی گردیده است. در زمینه بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن مطالعات وسیعی توسط صاحب نظران و دانشمندان علوم مختلف، از جمله نظریه پردازانی چون پیربوردیو، جیمز کلمن، رابرت پوتنام و فرانسویس فوکویاما صورت گرفته که تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. اعتماد، مهمترین سازه سرمایه اجتماعی است و مهمترین شرط لازم یکپارچگی اجتماعی، ارتباطات متقابل، کارآمدی اقتصادی، و ثبات دموکراتیک و مشارکت است. اعتماد اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر با چشم‌انداز خاصی مطرح شده است. ما در این مقاله قصد داریم تا به این مفهوم (اعتماد اجتماعی) بپردازیم.

بیان مسئله:

مسئله اصلی این تحقیق از آنجا ناشی شد که گاهی اوقات مشاهده می‌شود اعتماد اجتماعی در بین مردم کاهش می‌یابد و گاهی نیز به صورت صعودی افزایش پیدا می‌کند. در این شرایط این سؤال بوجود آمد که برآستی کدام عوامل اجتماعی موجب میشوند که اعتماد در جامعه دچار نوسان شده و به سمت صعود یا نزول حرکت کند؟ برای اثبات این نوسان مصادیقی را از پژوهش‌های صورت گرفته در کشور ارائه کرده تا بتوانیم موضوع را به خوبی تبیین کنیم. طبق آماري که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ توسط دفتر طرح‌های ملی بدست آمده ۸۸٫۴ درصد مردم به اعضاء خانواده خود بسیار زیاد اعتماد داشتند. این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد، در مورد دوستان نیز ۴۹ درصد بوده و بقیه مردم یکدیگر را تا اندازه ۴٫۳ درصد قابل اعتماد ارزیابی کردند. به عنوان نمونه در استان تهران پاسخ افراد به این سؤال که امانتداری در بین مردم به چه میزان رواج دارد؟ به این شرح است: ۳۳/۶ درصد پاسخها میزان رواج این ارزش یا اخلاقی در بین مردم را متوسط عنوان کرده‌اند. ۲۴/۵ درصد کم، ۴/۱۵ درصد خیلی کم و ۷/۶ درصد پاسخ‌ها به گزینه اصلاً تعلق دارد. (امیرکافی ۱۹: ۱۳۸۰) علاوه بر آن، نتایج تحقیق "سنجش اعتماد اجتماعی" با دو معرف اعتماد به مردم و اعتماد به مسئولین، نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان اعتماد مردم نسبت به هم در مقیاس پنج قسمتی، به ترتیب از سطح خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد عبارت است از (۶۷،۸) (۱۸،۴) (۹،۸) (۹) (۳،۲) و هم چنین اعتماد مردم نسبت به مسئولین به همین ترتیب عبارت است از (۲۱،۳) (۲۴،۲) (۶،۱) (۴،۱) (۱۳۷۳) (۱۳۷۳) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موضوع اعتماد اجتماعی به لحاظ اهمیتی که در زندگی اجتماعی داشته و به لحاظ تأثیراتی که در جامعه می‌گذارد دارای نقشی بسیار مهم می‌باشد و از سویی دیگر باید عوامل مؤثر بر نوسانات بیان شده در میزان اعتماد تشخیص داده شود تا بتوانیم این پدیده مهم زندگی اجتماعی را به خوبی تبیین کنیم.

چارچوب نظری:

دیدگاه‌های متفاوتی راجع به اعتماد اجتماعی در جامعه‌شناسی وجود دارد. این دیدگاه‌ها در این تحقیق به شرح ذیل طبقه بندی شده‌اند. در بحث مربوط به پارسنز، نظریات او در ارتباط با مراحل جامعه پذیری را مورد بحث قرار خواهیم داد. پارسنز «جامعه پذیری» را به پنج مرحله تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که هر مرحله نسبت به مرحله پیشین گسترده‌تر و پیچیده‌تر است. ۱- مرحله وابستگی دهانی ۲- مرحله وابستگی عشقی (عاطفی) ۳- مرحله ادیپ ۴- مرحله نهفتگی ۵- مرحله تشکیل خانواده؛ اشتغال؛ اجتماع. (1955.Parsons)

با توجه به ارتباط نه چندان زیاد دو مرحله اول جامعه پذیری به موضوع تحقیق، به سه مرحله اصلی جامعه پذیری می‌پردازیم. مرحله سوم: در این مرحله، کودک از نقش و عضویت انسجام‌یافته در یک نظام کنش دو نقشی (مادر- فرزند) به یک عضویت چند نقشی انتقال پیدا می‌کند. در این مرحله، کودک، آرام آرام به شرکت در گروه و عضو شدن و نقش پیدا کردن و تمرین کارگروهی می‌کند و در هر جایی که عضو می‌شود یک "گروه ما" برای او به حساب می‌آید. در مرحله چهارم؛ تفکیک بین "ما" و "غیر ما" از طریق خرده نظامها و نهادهای جامعه پذیر کننده در افراد درونی می‌شود. برای رشد شخصیت کودک، باید گروههای دیگری (همسالان- مدرسه) با خانواده همکاری داشته باشند. اینجاست که به تدریج نقش نهادهای جدید جامعه پذیر کننده (معلمان- همسالان) اهمیت پیدا می‌کند. مرحله پنجم یعنی مرحله‌ای که در آن تشکیل خانواده، انتخاب شغل (فراگیری حرفه‌ای) و ورود به جامعه، آخرین مرحله جامعه پذیری انسان می‌باشد. حوزه جامعه، کلیه شبکه‌های دوستی و روابط صمیمی و انجمنی را دربر می‌گیرد. در این حوزه، مشارکت افراد در امور سیاسی، فعالیت‌های مذهبی، تفریحی، ورزشی، هنری و هم چنین نقش آنها به عنوان شهروند دارای اهمیت می‌باشد. جامعه می‌تواند بر روی نهادهایی که قبل از تشکیل خانواده در جامعه پذیری فرد نقش داشته‌اند و نیز نهادهایی که در دوران ماقبل اشتغال در امر جامعه پذیری مؤثر بوده‌اند نفوذ داشته باشد. کودک پس از درونی کردن (یادگیری در زمینه عاطفی) قواعد بازی، آن را به عنوان راهنمای خود برمی‌گزیند. کسانی که قواعد را درونی کرده باشند در مقابل وسوسه خطاکاری مقاومت می‌کنند حتی در صورتی که هیچ کس از عمل آنها خبر نداشته باشد. (چلبی: ۱۳۷۳)

در این شرایط تعهد درونی در فرد شکل می‌گیرد که می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر اعتماد باشد. تعهد درونی به معنی شکل‌گیری ایمان قلبی به قواعد نظری بازی و کسانی که در این بازی قرار می‌گیرند، می‌باشد. بنابراین طبق نظر پارسنز به‌طور خلاصه می‌توان گفت که: افراد در دوران جامعه پذیری، به وسیله آموزش و انتقال فرهنگ از سوی خانواده و مدرسه و گروه

همسالان، پایبندی یا عدم پایبندی به تعهدات را در خود درونی می‌کنند و این درونی کردن تعهد، بر اعتماد تأثیر می‌گذارد.

یکی از تئوری‌های دیگری که قابلیت تبیینی آن برای این تحقیق بالاست، تئوری جیمز کلمن درباره اعتماد است. از نظر کلمن اساساً هرگونه تعامل اجتماعی با یک هدف مشخص که سود بردن است صورت می‌پذیرد. بنابراین اگر سود مادی یا معنوی برای گنشگر بدست نیاید، اعتماد و به تبع آن، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. کلمن معتقد است که موقعیت‌هایی که مستلزم اعتماد هستند، شامل وضعیت‌های همراه باریسک می‌باشند که ریسک پذیری فرد در چنین موقعیت‌هایی بستگی به چگونگی ایفای نقش توسط طرف مقابل دارد. بنابراین پیش از رابطه خطرناک اعتماد، بهترین گزینه، انتخاب روابط شناخته شده است. برای اعتماد کردن به یک فرد، باید رفتار او را زیر نظر بگیرید تا مطمئن شوید که به احتمال ۹۵٪ نیازی به نظارت بر او نیست. (تاجبخش، ۱۳۸۵)

به اعتقاد کلمن، اصولاً در رابطه مبتنی بر اعتماد ما با کنشگران عقلانی مواجه هستیم، در این رابطه اگر شانس پیروزی در مقایسه با شانس شکست بالاتر باشد، کنشگر اعتماد می‌کند (چیزی را گروهی گذارد) و انتظار منفعت دارد، زیرا او عقلانی است و باید اعتماد کند. این بیان ساده مبتنی بر اصل به حداکثر رساندن سودمندی تحت شرایط (تابع) ریسک است. اعتمادکننده بالقوه باید بین اعتماد نکردن، (که در این مورد هیچ تغییری در سودمندی او حاصل نمی‌شود) و اعتماد کردن (که در این مورد بستگی به کنش طرف مقابل دارد) تصمیم‌گیری کند. (Coleman: 1990: 91) بنابراین آنچه که بیان شد، طبق نظر جیمز کلمن، چون انسان موجودی است که کنش‌های او مبتنی بر انتخاب عقلانی است، لذا همیشه در فکرایین است که در روابط خود حداکثر سود ممکن را کسب کند. او برای این کار ابتدا مقداری از منابع را از طرف خود هزینه می‌کند که بعنوان هزینه اعتماد در نظر گرفته میشود تا بتواند در جریان اعتماد به سودی متناسب با آن هزینه دست‌یابد. لذا اگر جریان و رابطه اعتمادی، سودآور باشد، اعتماد و روابط اعتمادی بیشتر خواهد شد اما اگر این رابطه اعتماد سودآور نباشد و یا اینکه باعث ریسک بالا و عدم کسب سود متناسب باشد، آنگاه اعتماد و رابطه اعتمادی کاهش پیدا خواهد کرد.

تئوری بعدی که ما در این پژوهش از آن استفاده می‌کنیم، تئوری پیوتر زتومکا است. به نظر زتومکا، اعتماد از دو جزء تشکیل شده است. این دو جزء عبارتند از: "باورها" و "تعهد". باورها به انتظارهای ویژه‌ای برمیگردند که از دیگران داریم. بدین معنی که دیگران در موقعیت‌های مربوط به آینده چگونه عمل خواهند کرد. زمانی که ما به دیگران اعتماد می‌کنیم مثل اینست که از آینده خبر داریم بطوری که آینده قابل تعیین و پیش‌بینی بنظر میرسد. به زعم زتومکا این ویژگی اعتماد به عنصر "باور" بر می‌گردد و این باور، متوجه دیگران است. به‌طور

معمول نمی‌توانیم اعتماد را به رفتارِ خویش اختصاص دهیم. با این همه، باور مبتنی بر آگاهی برای توضیح اعتماد کافی نیست. اعتماد فراتر از توجهی فکورانه به ممکنات آینده است. عنصر تکمیل‌کننده این باور، تعهد است. انتظاری بجا از دیگری در رابطه با کاری که برای او انجام می‌دهیم. (زومکا: ۱۳۸۴)

انواع مختلفی از انتظارات وجود دارند که به مفهوم اعتماد اشاره دارند. هریک از انتظارات متناسب با موضوعات خاصی بوده و با موضوعات دیگر متناسب نیستند. انتظار مراقبت از مادر (اما نه لزوماً از یک رقیب در تجارت) یا انتظار کمک از جانب یک دوست (اما نه لزوماً از یک فرد قوی در خیابان) یا انتظار معقول بودن از یک استاد (اما نه لزوماً از یک بچه) امری بدیهی است. بنابراین بنظر می‌رسد که انتظارات از نوع خاص، محدود به موقعیت‌ها (نقشه‌ها) و سازمان‌های خاصی باشند. مردم اغلب انتظارات خود را با نقش‌های اجتماعی‌شان تطبیق می‌دهند تا با افراد دیگر در اجتماع. وقتی انتظارات بطور طبیعی ایجاد می‌شوند، اشخاص یا سازمان‌ها پاسخگوی اعمال خود هستند. لذا سلب اعتماد ما مترادف است با تخلف طبیعی. (همان منبع) در اینجا بحث زومکا مربوط به "انتظار" خصوصاً با توجه به نقش‌های اجتماعی، مهم بوده و برای مسئله ما قابلیت تبیینی خوبی دارد و به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن نکته این است که: میزان انتظار در جریان اعتماد به نقش اجتماعی فرد نیز بستگی دارد. اصلی‌ترین کسانی که انتظار از آنها بالاست و نقش آنها در اعتماد اجتماعی مؤثر است، گروه‌های مرجع هستند چون سطح انتظار از آنها بالاست و لذا آنها بر اعتماد تأثیر فراوانی دارند.

روش و ابزار تحقیق:

مطالعات اجتماعی در دو نوع صورت می‌گیرد که عبارتند از: پنهانگرانه و ژرفانگرانه. این پژوهش از نوع پنهانگرانه است. روش مناسب برای این نوع مطالعه، روش پیمایش است. نقاط قوت پیمایش بدین شرح است: صحت، درستی، قابل تعمیم بودن نتیجه‌ها و راحت بودن اجرا. چون میتوان داده‌ها را به صورت کلی درآورد، صحت این روش بیشتر مورد تأیید قرار می‌گیرد. (مارشال؛ ۱۳۷۸)

ابزار مورد استفاده جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است که پرسشنامه مورد نظر بر اساس فرضیات و سؤالات و اهداف تحقیق تکمیل گردید و پس از تأیید روایی و پایایی آن، مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس به اجراء گذاشته شد.

جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه آماری این پژوهش، کلیه افراد سنین ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان نور است که در چهار شهر نور، رویان، ایزدشهر، چمستان از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد مصاحبه

قرار گرفتند. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آماری شهرستان نور ۱۰۷۳۲۸ نفر بوده است. حجم نمونه با توجه به جمعیت جامعه آماری از طریق فرمول کوکران محاسبه گردید و ۳۸۱ نفر به دست آمده است که برای اطمینان بیشتر ۰/۰۵ به آن اضافه شد. در نتیجه حجم نمونه ۴۰۰ نفر برآورد گردید.

فرضیات تحقیق:

۱. بین اعتماد اجتماعی با تعهد درونی رابطه وجود دارد به گونه‌ای که هرچه میزان تعهد درونی بیشتر باشد اعتماد اجتماعی بیشتر و هرچه تعهد درونی کمتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز کمتر است.
۲. بین اعتماد اجتماعی با سود حاصل از اعتماد رابطه وجود دارد به طوری که هر چه سود حاصل از اعتماد بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد و هر چه سود اعتماد کمتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز کمتر خواهد شد.
۳. بین میزان انتظار از اعتماد شونده و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد، به گونه‌ای که هر چه میزان انتظار از اعتماد شونده بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود و هر چه میزان انتظار از اعتماد شونده کمتر باشد اعتماد اجتماعی نیز کمتر خواهد بود.
۴. بین میزان ریسک اعتماد و اعتماد اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد، به گونه‌ای که هر چه میزان ریسک اعتماد بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی کمتر خواهد شد و هر چه میزان ریسک اعتماد کردن کمتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا خواهد کرد.

یافته‌های تحقیق:

مشخصات پاسخگویان: ۱- میانگین سنی پاسخگویان ۳۷ سال بوده و بیشترین تعداد آنها در گروه سنی ۲۰-۲۹ قرار دارند. ۲- از تعداد کل پاسخگویان که ۴۰۰ نفر می‌باشند، ۲۷۰ نفر مرد و ۱۳۰ نفر زن می‌باشند. ۳- وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۵۶ نفر مجرد و ۲۴۴ نفر نیز متأهل می‌باشند. ۴- میزان تحصیلات پاسخگویان نیز نشان دهنده آنست که: بیشترین تعداد پاسخگویان مربوط به افراد با تحصیلات دیپلم بوده و کمترین تعداد نیز مربوط به افراد با تحصیلات فوق لیسانس است. میانگین میزان تحصیلات پاسخگویان نیز نزدیک به فوق دیپلم است. ۵- شغل پاسخگویان نیز در ۷ گروه دسته بندی شده که بیشترین تعداد پاسخگویان مربوط به افراد کارمند و کمترین تعداد نیز مربوط به افراد با شغل استادکار می‌باشد. ۶- چگونگی توزیع میزان درآمد ماهانه پاسخگویان هم نشان می‌دهد که: بیشترین تعداد پاسخگویان مربوط به افراد بدون درآمد بوده و کمترین تعداد

نیز مربوط به افراد با درآمد ماهانه $11/100/000$ ریال (یک میلیون و صد هزار تومان و بیشتر) می‌باشد و میانگین میزان درآمد ماهانه پاسخگویان نیز حدود $3/200/000$ ریال (سیصد و بیست هزار تومان) می‌باشد.

جدول شماره ۱-۱: نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	آماره‌های توصیفی								
	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	واریانس	حداقل نمرات	حداکثر نمرات	مجموع نمرات	تعداد پاسخگو
مستقل	اعتماد اجتماعی	۲۷/۰۷	۲۷	۲۶	۳/۶۲	۱۳/۰۷	۰	۱۰۸۲۶	۴۰۰
	سود حاصل از اعتماد	۱۹/۴۲	۲۰	۲۲	۳/۷۷	۱۴/۲۵	۰	۷۷۶۹	۴۰۰
	تعهد درونی	۱۳/۴۲	۱۳	۱۳	۲/۹۳	۸/۶	۰	۵۳۶۹	۴۰۰
	میزان انتظار از اعتماد شونده	۱۴/۴۵	۱۵	۱۶	۱/۵۷	۲/۴۸	۰	۵۷۸۱	۴۰۰
	ریسک اعتماد	۲۰/۵۵	۲۱	۲۴	۳/۸	۱۴/۴۲	۰	۸۱۲۰	۴۰۰

طبق نتایج بدست آمده از این جدول به این نتیجه می‌رسیم که: ۱- منحنی متغیر اعتماد اجتماعی دارای چولگی مثبت است یعنی بیشتر افراد مورد مطالعه، نمره‌ای کمتر از میانگین گرفته‌اند. ۲- منحنی متغیر کسب سود حاصل از اعتماد دارای چولگی منفی است یعنی بیشتر افراد مورد مطالعه، نمره‌ای بیشتر از میانگین گرفته‌اند. ۳- منحنی متغیر تعهد درونی دارای حالت متقارن است. این بدان معناست که بیشتر افراد مورد مطالعه، نمره‌ای بسیار نزدیک به میانگین گرفته‌اند. ۴- منحنی متغیر میزان انتظار از اعتماد شونده دارای چولگی منفی است یعنی بیشتر افراد مورد مطالعه، نمره‌ای بیشتر از میانگین گرفته‌اند. ۵- چون مقدار انحراف معیار متغیر میزان انتظار از اعتماد شونده $1/57$ بوده و از بقیه کوچکتر است، لذا افراد مورد مطالعه از لحاظ متغیر میزان انتظار از اعتماد شونده باهم متجانس‌تر می‌باشند. با توجه به اینکه واریانس متغیر میزان انتظار از اعتماد شونده $2/48$ بدست آمده و از همه متغیرهای دیگر کوچکتر است، لذا به این نتیجه می‌رسیم که مقادیر مربوط به این متغیر، نسبت به بقیه متغیرها به میانگین نزدیکتر هستند. ۶- در متغیر ریسک اعتماد چون نما از میانه بزرگتر و میانه هم از میانگین بزرگتر است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که منحنی متغیر ریسک اعتماد دارای چولگی منفی است. این بدین معناست که بیشتر افراد مورد مطالعه، نمره‌ای بیشتر از میانگین گرفته‌اند. و نیز به این نتیجه می‌رسیم که

چون مقدار انحراف معیار متغیر ریسک اعتماد $3/8$ بوده و از بقیه بزرگتر است، لذا افراد مورد مطالعه از لحاظ متغیر ریسک اعتماد کمترین تجانس را با هم دارند. با توجه به اینکه واریانس متغیر "ریسک اعتماد" $14/42$ بدست آمده و از همه متغیرهای دیگر بزرگتر است

به این نتیجه می‌رسیم که مقادیر مربوط به این متغیر، نسبت به بقیه متغیرها از میانگین دورتر هستند.

جدول شماره ۲-۱: ماتریس ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته.

اعتماد اجتماعی	ریسک اعتماد	میزان انتظار	سود اعتماد	تعهد درونی	متغیرها	
.۵۵۵**	.۱۲۸*	.۲۳۵*	.۴۹۷*	۱	تعهد درونی	متغیرهای مستقل
000.=Sig	000.=Sig	000.=Sig	000.=Sig			
.۶۴۱**	.۲۱۱**	.۲۹۸**	۱	.۴۹۷**	کسب سود حاصل از اعتماد	
000.=Sig	000.=Sig	000.=Sig		000.=Sig		
.۰۸۵	.۲۶۶**	۱	.۲۹۸**	.۲۳۵**	میزان انتظار از اعتماد شونده	
091.=Sig	000.=Sig		000.=Sig	000.=Sig		
.۰۱۰	۱	.۲۶۶**	.۲۱۱**	.۱۲۸*	ریسک اعتماد	
837.=Sig		000.=Sig	000.=Sig	011.=Sig		
۱	.۰۱۰	.۰۸۵	.۶۴۱**	.۵۵۵**	اعتماد اجتماعی (وابسته)	متغیر وابسته
	837.=Sig	091.=Sig	000.=Sig	000.=Sig		

مقادیر بدست آمده با علامت* رابطه در سطح ۹۵ درصد و با** رابطه در سطح ۹۹ درصد اطمینان است.

۱- براساس مقدار بدست آمده، بین متغیرهای کسب سود حاصل از اعتماد (مستقل) و اعتماد اجتماعی (وابسته) با $\text{sig} = .۰۰۰$ و ۹۹ درصد اطمینان به مقدار $.۰۶۴$ رابطه معنی داری وجود دارد. ۲- بین متغیرهای تعهد اجتماعی (مستقل) و اعتماد اجتماعی (وابسته) با $\text{sig} = .۰۰۰$ و ۹۹ درصد اطمینان به مقدار $.۰۵۵$ رابطه معنی داری وجود دارد. ۳- بین متغیرهای میزان انتظار از اعتماد شونده و اعتماد اجتماعی با $\text{sig} = .۰۹۱$ و ضریب همبستگی $.۰۸۵$ رابطه معنی داری وجود ندارد. ۴- بین متغیرهای میزان ریسک اعتماد و اعتماد اجتماعی با $\text{sig} = .۸۳۷$ و ضریب همبستگی $.۰۱۰$ رابطه معنی داری وجود ندارد.

رگرسیون چندگانه: تکنیکی است که به وسیله آن، تغییرات متغیر وابسته از طریق تغییرات دو یا چند متغیر مستقل، پیش بینی میشود و بعلاّت اضافه کردن متغیرهای مستقل جدید، میزان پیش بینی دقیق تر خواهد شد. (کلانتری؛ ۱۳۸۲)

۳-۱-۱: جدول ضریب تعیین و ضریب همبستگی رگرسیون چندگانه

R	R ²	error.std
ضریب همبستگی	ضریب تعیین	انحراف استاندارد
۰/۷۱۹	۰/۵۱۶	۲/۵۳

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی با متغیرهای مستقل ۰/۷۱۹ است و ضریب تعیین آن نیز ۰/۵۱۶ است یعنی نسبتی از واریانس متغیر اعتماد اجتماعی که متغیرهای مستقل تبیین کرده‌اند ۰/۵۱۶ و واریانس پسماندها ضریب عدم تعیین نیز ۰/۴۸۴ است.

جدول ۳-۱-۲: آزمون F متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

ANOVA	Sig	F	f.D	SS
	درجه معنی داری	آزمون F	درجه آزادی	مجموع مجزورات
رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۰۵/۴۶۶	۴	۲۶۹۲/۹۲۷
پسماند Residual			۳۹۵	۲۵۲۲/۳۸۳

با توجه به این که مقدار بدست آمده آزمون F برابر است با ۱۰۵/۴۶۶ و F جدول که با درجه معنی داری ۰/۰۵

برابر با ۲/۳۰ و با درجه معنی داری ۰/۰۱ برابر با ۳/۳۶ است، نتیجه می‌گیریم که چون عدد به دست آمده تحقیق از اعداد جدول بزرگتر است، لذا رابطه آماری مشاهده شده، معنی دار می‌باشد.

جدول ۳-۱-۳: رگرسیون چندگانه و ضریب بتای متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی)

Coefficients	B	Error.Std	Beta	Sig
		انحراف استاندارد	ضریب بتا	درجه معنی داری
Constant (عرض از مبدأ)	۱۷/۸۹۳	۱/۲۷۴		۰/۰۰۰
تعهد درونی	۰/۴۰۹	۰/۰۵۰	-۰/۳۳۱	۰/۰۰۰
کسب سود حاصل از اعتماد	۰/۵۱۴	۰/۰۴۰	۰/۵۳۷	۰/۰۰۰
میزان انتظار از اعتماد شونده	-۰/۲۸۴	۰/۰۸۷	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۱
ریسک اعتماد	-۰/۱۰۷	۰/۰۳۵	-۰/۱۱۲	۰/۰۰۲

بر اساس یافته‌های این تابع، عرض از مبدأ یعنی مقدار ثابت اعتماد اجتماعی ۱۷/۸۹۳ است. این بدان معناست که اگر تأثیر متغیرهای مستقل را ثابت نگه داریم، مقدار "اعتماد اجتماعی" ۱۷/۸۹۳ است. با توجه به یافته‌های تابع رگرسیون، به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر "تعهد درونی" مقدار ۰/۳۳۱ واحد و به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در

متغیر "کسب سود حاصل از اعتماد" مقدار $0/537$ واحد و به ازای هر واحد تغییر در متغیر "میزان انتظار از اعتماد شونده" مقدار $0/124$ واحد و به ازای هر واحد تغییر در متغیر "ریسک اعتماد کردن" مقدار $0/112$ واحد تغییر در متغیر "اعتماد اجتماعی" قابل تخمین است. بدین ترتیب شواهد تجربی نشان می‌دهد که متغیر "کسب سود حاصل از اعتماد" به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در تبیین متغیر وابسته "اعتماد اجتماعی" دارد و پس از آن نیز متغیر تعهد درونی قرار می‌گیرد.

تحلیل مسیر: این تکنیک زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیرها در سطح سنجش فاصله‌ای باشند. یکی از کاربردهای سودمند روش تحلیل مسیر، آزمودن مدل تئوریک تحقیق است. در تفسیر تحلیل مسیر ابتدا تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سپس مجموع اثرات غیرمستقیم برآورد می‌شود. در نهایت مجموع تأثیرات محاسبه و تفسیر کلی از مدل تحلیلی ارائه می‌شود. (کلانتری؛ ۱۳۸۲)

جدول ۴-۱: تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی)

متغیرهای مستقل	تأثیر مستقیم بر اعتماد اجتماعی	تأثیر غیرمستقیم بر اعتماد اجتماعی	تأثیر کلی
سود حاصل از اعتماد	$0/537$	---	$0/537$
تعهد درونی	$0/331$	---	$0/331$
ریسک اعتماد	$-0/112$	$0/076$	$-0/036$
میزان انتظار از اعتماد شونده	$-0/124$	$0/1303$	$0/0063$

با توجه به یافته‌های بدست آمده، بیشترین تأثیر بر اعتماد اجتماعی به متغیر "سود حاصل از اعتماد" مربوط است که برابر است با: $0/537$ و رتبه بعدی نیز مربوط به متغیر "تعهد درونی" بر اعتماد اجتماعی است که برابر است با: $0/331$ و تأثیر "میزان انتظار از اعتماد شونده" بر اعتماد اجتماعی نیز برابر است با: $0/0063$. آخرین رتبه تأثیر نیز مربوط به متغیر "میزان ریسک اعتماد" بر اعتماد اجتماعی است که برابر است با: $-0/036$.

با توجه به داده‌های بدست آمده می‌توان گفت که: ۱- فرضیه اول (میزان تغییرات در اعتماد اجتماعی با میزان تعهد درونی همراه است؛ به گونه‌ای که هرچه میزان تعهد درونی بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی بیشتر و هرچه تعهد درونی کمتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز کمتر است). تأیید می‌شود. ۲- فرضیه دوم: (بین سود حاصل از اعتماد و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد به طوری که هر چه سود حاصل از اعتماد بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد و هر چه سود اعتماد کردن کمتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز کمتر خواهد شد). این فرضیه با قوت بیشتری از بقیه فرضیات تأیید می‌شود. ۳- فرضیه سوم: (بین میزان انتظار از اعتماد شونده و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد به گونه‌ای که

هر چه میزان انتظار از اعتماد شونده بیشتر باشد اعتماد اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود و هر چه میزان انتظار از اعتماد شونده کمتر باشد، اعتماد اجتماعی نیز کمتر خواهد بود. این فرضیه تأیید نگردید. ۴- فرضیه چهارم: بین میزان ریسک اعتماد کردن و اعتماد اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد، به گونه‌ای که هر چه میزان ریسک اعتماد بیشتر باشد، اعتماد کمتر خواهد شد و هر چه میزان ریسک اعتماد کردن کمتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا خواهد کرد. این فرضیه با قوت کمی تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری:

طبق نتایج بدست آمده ۴۵٪ افراد با این موضوع موافقت می‌کنند که کسب سود مالی بر اعتماد اجتماعی تأثیر دارد. هم چنین کسب سود منزلتی از اعتماد کردن نشان می‌دهد که تقریباً ۸۵٪ افراد با این موضوع موافقت می‌کنند که کسب سود منزلتی و شخصیتی مانند کسب احترام و کسب مقبولیت بر افزایش اعتماد اجتماعی تأثیر دارد. هم چنین در سؤالی که مربوط به کسب سود معنوی از اعتماد مطرح شده بود حدود ۸۷٪ از پاسخگویان با این گزینه موافق بوده‌اند. در ادامه از آنها سؤال شد: شما که از نظر پولی ضرر می‌کنید، اما چرا اعتماد کرده و کمک می‌کنید؟ اکثر افراد در پاسخ می‌گفتند "برای رضای خدا". برخی‌ها نیز این شعر را می‌خواندند:

"تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز".

این نتیجه نشان دهنده آن است که تأثیر سود معنوی بر اعتماد کردن، بسیار زیاد است. لذا در شناخت تأثیر متغیر کسب سود حاصل از اعتماد به این نتیجه می‌رسیم که سود معنوی بیشترین تأثیر و سود منزلتی نیز در همان اندازه تأثیری زیاد بر اعتماد می‌گذارد و سود مالی تأثیر کمی بر اعتماد دارد. لذا به نظر می‌رسد که ثنوری بوردیو مبنی بر اهمیت شرایط اقتصادی و ابزاری بودن اشکال دیگر سرمایه در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی کاربرد نداشته باشد. یکی از مصداق‌ها، حادثه زلزله بم می‌باشد. همه ما شاهد بودیم که در زلزله بم در سال ۸۲ بسیاری از مردم ایران به صورت خودجوش و بسیار عاطفی به کمک زلزله زدگان شتافتند، در حالی که برای کسب سرمایه اقتصادی این عمل صورت نگرفت. بنابراین به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی یک وجه پنهانی دارد که زیر بنای تأثیر و کارکرد آن در نظم اجتماعی است و آن وجه پنهان، وجه اخلاقی، انسان دوستانه و عاطفی است

بعد از کسب سود، تعهد درونی بیشترین تأثیر را بر اعتماد دارد. اولین نهادی که تعهد درونی در آنجا شکل می‌گیرد "خانواده" است. اگر در خانواده، تعهد داشتن و عمل درست بر طبق هنجارها و ارزش‌های خانواده از یکسو به کودک آموزش داده شد و از سوی دیگر خود خانواده نیز به درستی عمل نمایند تا برای کودک الگو شود، آنگاه به احتمال خیلی زیاد تعهد درونی این کودک قوی می‌شود. دومین نهاد اجتماعی کننده، "مدرسه" است که باید

فرد را در جریان جامعه پذیری، اجتماعی کند و یکی از این مسائل ایجاد و تقویت تعهد درونی با آموزش و عمل خود آموزش دهندگان به این مفاهیم و ارزش‌ها و هنجارها است. سومین مسئول اجتماعی کردن، "رسانه‌ها" هستند که آنها نیز باید با خلق و تولید برنامه‌های فکری و فرهنگی مناسب در تقویت تعهد درونی تلاش کنند. یکی از گروه‌هایی که در این موضوع تأثیرگذار است، "گروه‌های مرجع"^۱ می‌باشند. چون از یکسو گروه‌های مرجع به عنوان الگوهای مهم بوده و اعمال و کنشهای آنان مورد توجه و الگوبرداری دیگران است و نیز از سوی دیگر دارای شخصیتی موجه و مورد قبول اجتماع هستند لذا اعمال آنها به صورت خودبخود به عنوان مدل برای دیگران تجویز می‌شود. لذا اگر این گروه‌های مرجع، تعهد درونی را عملاً رعایت کنند دیگرانی که از آنها الگو و تأثیر می‌گیرند نیز دارای تعهد درونی خواهند شد و اگر نتوانند بدرستی نقش خود را ایفا کنند، آنگاه بقیه مردم نیز به تاسی از آنها عمل خواهند کرد. مثلاً اگر گروه‌هایی مانند نخبگان، مسئولین، هنرمندان، روحانیون، ورزشکاران و مانند اینها - طبق ضرب المثل "واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر میکنند" - برخلاف تعهد درونی، عملی را انجام دهد که نشان از بی‌تعهدی درونی باشد، افراد جامعه به آنها بی‌اعتماد شده و دچار بی‌تعهدی خواهند شد. به علت اینکه تعهد درونی نوعی خاصیت اخلاقی را دارا می‌باشد، برای این کار باید نهادهای اجتماعی کننده به یک برنامه ریزی تقویت اخلاقی بپردازند، لذا نهادهای مربوطه باید هم از نظر آموزشی و هم عملی بدرستی عمل کنند، زیرا شواهد نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر علی‌رغم تبلیغ و آموزش فراوان مسائل شرعی و دینی، جامعه از نظر اخلاقی دچار تنزل شده است و پای بندی به مسائل اخلاقی مانند قول و قرار و وفای به عهد و امانتداری و مانند اینها کم شده است. بنابراین این امر نشان می‌دهد که جامعه ما از نظر آموزش و تبلیغ اعتقادات دینی و مسائل شرعی مشکل خاصی ندارد بلکه نیاز به تقویت بُعد عملی اخلاق در جامعه احساس می‌شود.

طبق یافته‌های تحقیق؛ میزان انتظار از اعتماد شونده بر اعتماد اجتماعی تأثیر ندارد. بر اساس نظر زتومکا وقتی انتظارات به طور طبیعی ایجاد میشوند، اشخاص یا سازمانها، پاسخگوی اعمال هستند و سلب اعتماد ما مترادف است با تخلف طبیعی آنها از انتظارات ما. یکی از مباحث مربوط به میزان انتظارات، مربوط به نظریه تونیس است. وقتی جوامع از حالت گم‌بینشافت به گزلفشافت تغییر حالت می‌دهند و کارها و فعالیت‌های اجتماعی از حد ضروریات حیاتی فراتر رفته و آموزش و تفریحات و رفاه طلبی و تنوع و افزایش تقسیم کار جزء مسائل ضروری و عادی زندگی می‌شود، آنگاه افراد در اجتماع دارای نقشها و جایگاه‌های متفاوتی می‌شوند. زمانی که جامعه در حالت گم‌بینشافتی است یک فرد فقط یک یا دو نقش محدود دارد اما در حالت پیچیدگی و گزلفشافتی جوامع، افراد با عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های مختلف، کارکردها و

¹ -Reference group

نقش‌های مختلفی را به خود اختصاص می‌دهند و برای ایفای این نقشها در زندگی پیچیده جدید و رقابتی، لاجرم نیاز به آموزش و تخصص‌های متفاوتی درخور آن نقش‌ها دارند. بدین ترتیب این فرد در این چندگانگی نقشی یا دچار تضاد نقش¹ گردیده و یا دچار تحلیل کارکردی می‌شود بدین معنی اینکه یک نقش را بخوبی ایفا می‌کند و در بعضی از نقشهای دیگر دچار کم‌گذاری و کم‌توجهی می‌شود و نمی‌تواند نقش خود را به صورت کامل ایفا کند. در حالی که در کنشهای مختلف با افراد در جامعه، متناسب با نقش‌هایش از او انتظار می‌رود که بتواند نقش پذیرفته شده را بخوبی ایفاء کند در صورتی که او عملاً قادر به ایفای کامل نقش خود نیست. این فرآیند موجب نارضایتی افرادی که در کنش متقابل با او هستند، شده و این چرخه در نهایت موجب کاهش اعتماد نسبت به فرد در ایفای آن نقش مورد انتظار از او می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت که: با توجه به عدم تأیید فرضیه تأثیر میزان انتظارات بر اعتماد، به نظر می‌رسد که میزان انتظارات نقش مهمی در اعتماد نداشته باشد. اما جهت بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر لازم به نظر می‌رسد به میزان انتظار، نوع انتظار، ارتباط نوع انتظار با میزان انتظار، ارتباط نوع انتظار و میزان انتظار با اعتماد پرداخته شود زیرا به نظر می‌آید که نوع اعتماد کردن تأثیر مهم‌تری بر اعتماد دارد تا میزان انتظار. این کلام در واقع به کمیت و کیفیت انتظار بر می‌گردد. البته طبق شواهد بدست آمده در این تحقیق به نظر می‌رسد که اعتماد نوعی خاصیت کیفی دارد تا کمی. لذا این نتیجه را می‌گیریم که اعتماد اجتماعی، دارای یک ویژگی و کارکرد اخلاقی در جامعه است که در نوع خود جالب توجه می‌باشد.

بخش آخر تحلیل و تفسیر این تحقیق به فرضیه تأثیر ریسک اعتماد بر اعتماد اجتماعی اختصاص دارد. در مجموع چنین نتیجه می‌گیریم که ریسک اعتماد دو وجهه دارد که وجهه ریسک منزلتی، خصوصاً آنجایی که با اصل زندگی و نیز حیثیت اجتماعی فرد ارتباط دارد، بسیار بالا می‌رود و لذا اعتماد در اینجا پایین می‌آید. در ریسک مالی نیز، تا حدی ریسک مالی قابل تحمل است که در صورت شکست خوردن اعتماد کننده در جریان اعتماد، تأثیر زیادی متوجه او و زندگی اش نشود و برای او قابل جبران باشد. اما اگر در همین ریسک مالی هم ارزش کالا یا خدمت مورد تبادل که به واسطه آن اعتماد صورت می‌گیرد به گونه‌ای باشد که در زندگی اعتماد کننده تأثیر بسزایی داشته و در صورت شکست در جریان اعتماد، جبران آن برای او سخت یا غیر ممکن باشد در نتیجه ریسک اعتماد به نحو قابل توجهی بالا می‌رود و به تبع آن اعتماد پایین می‌آید. بطور کلی اعتماد پیامدهای سودمندی برای طرفین کنش در روابط اجتماعی و گروه‌هایی که افراد به آن تعلق دارند و هم چنین برای صلح، انسجام، وحدت و یکپارچگی زندگی اجتماعی دارد. اگر اعتماد و معتمد بودن بین افراد یا گروه‌ها و یا نهادها افزایش یابد، خودبخود از میزان ضمانت‌های رسمی و سختگیرانه می‌کاهد مانند قرض دادن یا نسبه دادن یا امانت دادن. اگر میزان اعتماد بالا باشد باعث شده که کنشها

¹ -Role conflict

راحت تر و آسانتر و بیشتر انجام شود هرچه این کنش‌ها بیشتر صورت گیرد میزان اعتماد نیز به صورت تصاعدی بالاتر می‌رود، چون طرفین اعتماد از این اعتماد متقابل سود می‌برند و در صورت عدم وجود اعتماد، این تبادلات بسیار هزینه بر، بروکراتیک و زمان‌بر خواهد شد. به نظر جان فیلد اعتماد به عنوان یک "گریس اجتماعی" موجب سهولت در مبادلات اجتماعی و موجب نرم کردن چرخ دنده‌های روابط اجتماعی می‌شود. (فیلد؛ ۱۳۸۶) از سوی دیگر می‌توان اعتماد را نوعی "چسب اجتماعی" تلقی کرد. اعتماد، موجب "سهولت" در ارتباط و کنش‌ها می‌گردد و علاوه بر آن اعتماد موجب "افزایش" حُسن ظن و به تبع آن افزایش میزان کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌ها و نهادها می‌شود. اگر اعتماد افزایش یابد، میزان رفت و آمد، همکاری‌ها، مشارکت، وحدت و تعاون نیز افزایش می‌یابد که این پیامدهای اعتماد می‌تواند همبستگی اجتماعی را افزایش دهد. از این رو از آن به عنوان چسب اجتماعی یاد می‌کنیم. نهایتاً این که هیچ وقت اعتماد کاملاً نابود نگردیده بلکه دچار نوسان شده و کم و زیاد می‌گردد.

منابع فارسی:

- امیرکافی، مهدی، (۱۳۷۴)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- تاجبخش، کیان؛ (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ ترجمه افشین خاکباز، حسین پویان، شیرازه.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۳)؛ تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵ و ۶
- زتومکا؛ پیوتر، (۱۳۸۴)؛ اعتماد؛ یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات ستوده.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۳)؛ آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران.
- ساعی، علی؛ (۱۳۸۶)؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی) انتشارات سمت.
- فیلد، جان، (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضانی، انتشارات کویر.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، نشر شریف.
- کلمن، ساموئل. جیمز، (۱۳۷۷): بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران. نشر نی.
- مارشال، کاترین و راس من، گرچن ب، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۷۹؛ پیمایش ملی ارزش و نگرش‌های ایرانیان؛ دفتر طرح‌های ملی

منابع انگلیسی

- Coleman.james, (1990)."Foundations of Social Theory."Combridge.The Belknap press of Harvard university press.
- Parsons.Talcott.Robert.F.Bales and other, (1955)."Family.Socialization and interaction process ."New York.The free press.